حقوق حيوانات در سيره و سخن رسول رحمت

معرفت سال بيست و يكم ـ شماره 182 ـ بهمن 1391، 97ـ110

على احمدى خواه (كوه نانى)\*

چكيده

شاهرگ محيط زيست، همان جنبه حيات آن است، كه يكى از نمادهاى اصلى آن حيوانات مى باشند؛ با توجه به اهميت زنجيره حيوانى و حياتى محيط زيست، اين تحقيق به طور ويژه به بيان حقوق حيوانات در سيره و سخن رسول رحمت مى پردازد تا خواننده خردمند دريابد كه پيامبر خاتم رسول رحمت است نه خشونت؛ چون پيامبرى كه اين اندازه به حيات حيوان اهميت بدهد، معلوم است كه حيات بشر چه قدر برايش مهم است.

با توجه به اينكه از ديدگاه پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله اشرف مخلوقات انسان است، فهم حقوق و رعايت اخلاق درباره آنها و احترام به آنها از منظر آن حضرت جدى تر مى نمايد. پرسش مطرح اين است كه آيا به حيوانات فقط به چشم يك ابزار نگريسته مى شود و به هر نحوى مى توان با آنها برخورد كرد يا اينكه آنها هم حقوقى دارند؟ به گونه اى كه انسان را در قبال آنها مكلف مى سازد. روش پژوهش توصيفى ـ تحليلى مى باشد.

كليدواژه ها: رسول رحمت، مدارا و مهربانى، حيات حيوانات، حقوق حيوانات.

\* دانش پژوه دكترى تاريخ و انديشه معاصر مسلمين مؤسسه آموزش عالى حوزوى امام رضا عليه السلام. ahmadikhah25@yahoo.com

دريافت: 20/1/91 پذيرش: 18/7/91.

مقدمه

يكى از مسائل مهم در جوامع مختلف، به ويژه جامعه اسلامى، موضوع محيط زيست است. نباتات، حيوانات و آب هستند كه اسلام براى آنها اهميت فوق العاده اى قائل است. ضرورت اين بحث زمانى چهارچندان مى شود كه اكنون غربيان مدعى آزادى مذاهب و غيره، نهايت جسارت را به اين رسول رحمت روا مى دارند؛ از طرفى هم كسى در اين زمينه مشخص (حقوق حيوان ها از ديدگاه ايشان) تحقيق نكرده است. اين تحقيق پيشينه ندارد؛ هرچند به طور عام (نظر اسلام) تحقيقاتى شده است. اهميت اين بحث وقتى روشن مى شود كه انسان بداند رسولى كه اين قدر به حقوق حيوان اهميت مى دهد، آيا ممكن است كه نسبت به حقوق بشر، بى توجه باشد؟! پيامبرى كه اين اندازه نسبت به حيوانات و حياتشان، حساس است و مدافع حقوق و حياتشان، آيا ممكن است كه به حيات انسان اهميت ندهد؟! رسولى كه اين همه با حيوانات مهربان است، آيا ممكن است كه با بشر به خشونت رفتار نمايد؟ با پى گيرى اين موضوع، انسان به طور عملى مى بيند كه پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله، رسول رحمت براى جميع جوامع است؛ حتى جوامع حيوانى.

مفاهيم حق، حقوق، تكليف

«حقوق جمع حق؛ و حق، امرى اعتبارى است كه براى كسى (لَه) بر ديگرى (عليه) وضع مى شود»؛ به عبارتى، امرى اعتبارى كه به نفع يكى و بر ضرر ديگرى وضع مى شود. اين حق ممكن است ريشه واقعى داشته يا نداشته باشد؛ يعنى در مفهوم آن ـ به منزله امرى اعتبارى و حقوقى ـ وجود يا نبود ريشه واقعى ملحوظ نيست (مصباح، 1377، ص 24ـ25؛ مصباح، 1373، ص 161ـ163). حق لوازمى دارد كه يكى از آشكارترين آنها «بهره ورى» است (مصباح، 1377، ص 28ـ29).

حق و تكليف با هم رابطه تضايف و تلازم دارند؛ در نتيجه، حق و تكليف متقابلاً جعل مى شوند؛ يعنى هرجا حقى جعل مى شود، حتما تكليفى نيز جعل شده است و بالعكس؛ اما حق اختيارى، و تكليف اجبارى است (همان، ص 30ـ31).

در زبان فارسى، واژه «حقوق» در معانى مختلفى به كار مى رود (كاتوزيان، 1378، ص 13ـ14). «حقوق» در اصطلاح ديگر، جمع «حق» است (مصباح، 1377، ص 23ـ24). واژه حقوق در دو معنا به كار رفته است: نخست جمع «حق» و دوم مجموعه مقررات، احكام و بايد و نبايدهايى كه انسان بايد درباره حيوان ها بدان عمل كند.

آشنايى با كليات اخلاق حيوان ها در كتاب و سنت پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله

الف) اشاره به سفارش كتاب خدا؛ قرآن كريم درباره حيوان ها

قرآن كريم در اين زمينه آيه هاى بسيارى دارد كه تنها به سه مورد اشاره مى شود:

ـ «هيچ جنبنده اى در زمين نيست و هيچ پرنده اى كه با دو بال خود پرواز مى كند، وجود ندارد؛ مگر اينكه امت هايى مانند شما هستند. ما هيچ چيز را در اين كتاب فروگذار نكرديم؛ سپس همگى به سوى پرودگارشان محشور مى شوند.» (انعام: 38)

ـ «چه بسيار جاندارانى كه نمى توانند متحمل روزى خود شوند، خداست كه آنها و شما را روزى مى دهد و اوست شنواى دانا.» (عنكبوت: 60)

ـ «ـ شيطان مى گويد ـ و آنان را گمراه مى كنم و به آرزوها سرگرم مى سازم و به آنان دستور مى دهم كه (اعمال خرافى انجام دهند و) گوش چهارپايان را بشكافند و آفرينشِ (پاك) خدايى را تغيير دهند؛ (و فطرت توحيد را به شرك بيالايند)، و هركس شيطان را به جاى خدا، ولى خود برگزيند، زيان آشكارى كرده است.» (نساء: 119)

در اين سه آيه به سه نكته بسيار مهم اشاره شده است: نخست آنكه همه موجودات را داراى نظام اجتماعى برشمرده است؛ مانند انسان ها. البته با توجه به تفاوت هايى كه در ذات انسان و حيوان هست، ساختار اجتماعى آنان نيز باهم فرق دارد؛ اما با وجود اين فرق، حيوان ها نيز جوامع حيوانى دارند؛ دوم اينكه، روزى و رزق هر دو (انسان و حيوان) بر عهده خداوند مى باشد؛ سوم اينكه مثله كردن را كارى شيطانى شمرده و از آن به خسارتى بزرگ تعبير كرده است.

ب) جايگاه حيوانات در سنت

در مكتب اسلام، درباره دفاع از حيوانات و حمايت آنها نيز قوانين و مقرراتى وضع شده كه بيانگر جامعيت اين مكتب و مهرآميز بودن آن است؛ به گونه اى كه رعايت آن اخلاق و حقوق و توجه به موجودات زنده و غيرزنده را در هيچ حالى فراموش نكرده است.

در اين مكتب، سفارش ها و رفتارهاى اعجاب انگيزى درباره ترحم بر جانداران بيان شده است. ترحم بر حيوان موجب پاداش؛ و آزار و اذيتش، باعث عذاب آخرت است؛ به گونه اى كه در كتاب هاى فقه و حديث، فصل هاى مفصلى در اين زمينه نگارش يافته است. براى نمونه، در ابتدا به طور كلى و در انتها نيز به گونه اى جزئى و تفصيلى به بيان آنها مى پردازيم.

1. بر صاحبان حيوانات لازم است كه براى آنها وسايل زندگى و رفاه ـ مانند مسكن و آب و مواد غذايى ـ فراهم كنند و بر چهارپايان بيش از اندازه طاقت و توانِ آنها بار نگذارند و راه نبرند؛ يعنى با توجه به اندازه توان حيوانات از آنها استفاده كنند.

2. در صورتى كه چهارپايان بچه دارند، بر صاحبان آنها لازم است كه تمام شير آنها را ندوشند و به اندازه اى كه براى بچه آنها كافى باشد، شير در پستان باقى بگذارند.

3. در صورتى كه دوشيدن شير براى حيوان ضرر داشته باشد، نبايد شير آن را بدوشند؛ مستحب است كسى كه شير حيوان را مى دوشد، ناخن خود را كوتاه كند تا در موقع دوشيدن، براى حيوان ناراحتى ايجاد نكند.

4. اگر كسى ـ در جايى كه آب پيدا نمى شود ـ مقدارى آب همراه دارد كه اگر با آن وضو بگيرد، حيات يك حيوان بر اثر تشنگى به خطر مى افتد، بايد آن آب را به حيوان بدهد و آن را از مردن نجات دهد و براى نماز تيمم كند.

5. مالك زنبور عسل بايد امكانات و وسايل رفاهى را براى آن فراهم كند. در زمان برداشتن عسل نيز نبايد تمام عسل را براى خودش بر دارد؛ بلكه بايد به اندازه احتياج آن حيوان، عسل در كندو باقى بگذارد؛ هرچند مستحب است كه بيشتر از مقدار نياز زنبور، برايش عسل باقى بگذارد.

6. مالك كرم ابريشم بايد نيازهاى زندگى آن را تأمين، و غذايش (برگ توت) را به اندازه كافى فراهم آورد.

7. در صورتى كه مالك هر حيوانى به تأمين نيازهاى آن اقدام نكند، بر حاكم لازم است كه او را به اين وظيفه اجبار كند؛ در صورتى كه خود حاكم نتواند اين كار را انجام دهد، بايد افراد ديگر به اين وظيفه اقدام، و حيات آن حيوان را حفظ كنند (نورى طبرسى، 1348، ج 2، ص 55ـ56؛ اخوان، 1370)

8. آزار رساندن به هر جاندار حرام گوشتى منع شده است؛ چه رسد به قتل؛ مگر حيوان موذى، كه براساس برخى روايت ها، آن نيز بايد به روشى مناسب از بين برود.

9. كشتن حلال گوشت جايز نيست؛ مگر براى خوردن؛ آن هم به نحوه خاصى كه بيان خواهد شد.

10. به بند كشيدن حيوانات و شكنجه آنها ممنوع است. همچنين تجاوز به حريم، اموال، بچه ها و تخريب خانه هاى آنها نيز نهى شده است.

11. به متجاوز و خائن به حقوق حيوانات، اخطار و وعده عذاب و حسابرسى شديد در قيامت داده اند.

12. كشتن حيوانات در برخى مكان ها و زمان ها (مانند حرم مكه و موسم حج براى محرم) ممنوع است؛ حتى برخى از حيوان هاى حلال گوشت؛ حتى براى شكننده يك تخم شترمرغ و قاتل يك كك، كفاره معين شده است.

13.حمايت ازحيات حيوانات گمشده ونجات آنهاازمرگ.

14. انداختن كالا به دريا براى حفظ حيوانات موجود در كشتى به منظور جلوگيرى از غرق شدن آنها (حق حيات حيوان و حفظ آن).

15. نداشتن جواز جداسازى قطعه هاى غصبى كشتى، در صورتى كه اين كار باعث غرق شدن كشتى حامل حيوانات شود (حق حيات حيوان و حفظ آن).

16. نداشتن جواز جداسازى نخ هاى ترميمى (بخيه) غصبى از بدن حيوان، در صورتى كه اين كار باعث مرگ يا آسيب ديدن آنها شود (حفظ سلامتى و بهداشت حيوان).

17. لزوم پانسمان جراحت حيوان؛هرچند مواد مصرفى متعلق به ديگرى (غصبى) باشد (حفظ سلامتى حيوان).

18. لزوم رهايى حيوان از ظرف يا مكان ديگرى (غصبى) كه در آنجا گرفتار شده است؛ هرچند منجر به تخريب آنها شود (آزادى حيوان).

19. لزوم تأمين علوفه، آب و ساير نيازمندى هاى حيوانى كه در اختيار ديگرى قرار دارد (وديعه)؛ هرچند مالك حيوان با اين كار مخالف باشد(حقوق اساسى حيوان).

20. براساس قوانين و منابع حقوق اسلامى، رفتار جنايت آميز درباره حيوانات موجب پرداخت ديه مى شود (حق حيات حيوان). اين مسئله نشانگر ارزشمندى جان و سلامت اعضاى بدن حيوانات ـ حتى حيوانات نجس ـ و عدم جواز تجاوز به آنها در اسلام است.

21. با اينكه ـ براساس احكام و قوانين اسلامى ـ سگ «نجس» است؛ اما قوانين حمايتى و حياتى اسلام شامل آن نيز مى شود و آسيب رساندن به انواع سگ ها، موجب پرداخت ديه است (نظرى توكلى، 1387، ص 78ـ79؛ اخوان، 1370).

22. نهى از آلوده كردن مأوى و محيط زيست؛ چه دريا و چه خشكى.

سفارش و دستورهاى رسول رحمت در دفاع و حمايت از حيوان ها

سخنان و سفارش هاى مشترك و عام

دستور به مهربانى با حيوانات و گرامى داشتن آنها: پيامبر خاتم صلى الله عليه و آلهدرباره مدارا و مهربانى با حيوانات و نيز مراعات حال ضعيف شان هنگام سوار شدن و در مسير حركت، سفارش هاى عجيبى داشته اند؛ مانند: «خدا مدارا كردن را دوست دارد و بر انجام آن كمك مى كند. پس هرگاه بر چهارپايان لاغر سوار شديد، آنها را در منزل هايشان (توقف گاه ها) فرود آوريد. اگر زمين خشك و بى گياه بود، با شتاب از آن بگذريد، و اگر سرزمين سرسبز و پرعلف بود، آنها در آنجا استراحت دهيد!» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 189؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 213)

براساس روايت ديگرى، وقتى كه از آن حضرت پرسيدند: اى رسول خدا! آيا حمايت از حيوان ها و مهربانى با آنها، ثوابى براى ما دارد، در جواب مى فرمودند: «حمايت از هر جگر "ترى" (سيراب كردن هر تشنه اى) پاداشى نزد خدا دارد» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 278؛ زبيدى شافعى، 1346ق، ج 2، ص 114).

طبق روايتى كه ـ عده اى از قول عايشه و ـ حلبى آن را از قول فردى نامعلوم در غزوه تبوك نقل كرده اند، آن حضرت به طور ويژه اسبش را نوازش و تيمار مى كرد.

راوى مى گويد: از خانه بيرون آمدم، ديدم رسول خاتم صلى الله عليه و آله با لباس خود بر پشت اسبش مى كشيد و او را نوازش مى داد. گفتم: پدر و مادرم فدايت اى رسول خدا! آيا با لباس خود پشت اسب را مى نوازى؟ فرمود: آرى اى عايشه. آيا نمى دانى شايد پروردگارم مرا به اين كار فرمان داده باشد؟ ضمن اينكه من نزديك هستم و فرشتگان در غبارزدايى از اسب و تيمار آن، مرا همراهى مى كنند.

گفتم: اى رسول خدا! اين كار را به من بسپاريد تا كسى باشم كه به اين كار اقدام كرده است. فرمود: چنين نمى كنم. دوستم جبرئيل به من خبر داد كه خداى تعالى در مقابل هر دانه اى كه به او مى دهم، برايم نيكى مى نويسد. هيچ مسلمانى نيست كه از اسبى در راه خدا حفاظت نمايد؛ مگر اينكه در مقابل هر دانه اى كه به او مى دهد، نيكى دريافت مى كند و گناهش پاك مى شود (ر.ك: ابن عساكر، 1415ق، ج 18، ص 244؛ متقى هندى، 1409ق، ج 4، ص 456، ح 11360؛ حلبى، 1400ق، ج 3، ص 431).

نهى از «به جان هم انداختن» حيوانات: رسول خاتم صلى الله عليه و آله از به جانِ هم انداختن حيوان ها نيز نهى كرده است: «رسول خاتم صلى الله عليه و آله، از به جنگ انداختن حيوان ها نهى فرمودند؛ مگر سگ ها» (دميرى، بى تا، ج 1، ص 158؛ ج 2، ص 271؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 227؛ ناصف، 1406ق، ج 4، ص 351)؛ «خداى تعالى كسى را كه حيوان ها را به جان هم مى اندازد تا با هم بجنگند، لعن كرده است» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 271).

وجوب فراهم آوردن آب و علف مورد نياز حيوانات: رسول خاتم صلى الله عليه و آله در روايتى، حقوق شش گانه حيوانات را برشمرده است. بخشى از اين روايت، درباره حق آب و علف حيوان مى باشد: «بر مالك چهارپايان واجب است كه به آنها آب و علف بدهد؛ به خاطر حرمت روح كه در حيوان مى باشد» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص217).

نهى از زدن بر صورت حيوان و سوزاندن و داغ نهادن بر اعضايش: رسول رحمت از هر نوع شكنجه حيوان بسيار ناراحت مى شدند و از اين كار نهى مى كردند: «از جمله حقوق حيوان بر صاحبش، اين است كه بر صورتش نزند؛ چون اين حيوان نيز تسبيح و حمد خداى را مى گويد» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 187؛ مجلسى، 1409ق، ج 22، ص 455).

پيامبر صلى الله عليه و آله از زدن و داغ نهادن بر صورت حيوانات نيز نهى كرده اند.

طبق روايت اميرالمؤمنين عليه السلام،رسول خاتم صلى الله عليه و آلهفرمودند: «به صورت حيوان ها نزنيد؛ چون هر موجودى، تسبيح گوى خداست. صورت آنها را داغ ننماييد؛ زيرا چه بسيارند مركوب هايى كه از راكبشان بهترند و بيش تر مطيع خدايند، و زيادتر از كسى كه بر آنها سوار است، خدا را ياد مى كنند» (عرب باغى، 1329، ص 48؛ متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 66و68؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 210و217).

امام صادق از پدر بزرگوارش نقل كردند كه نبى خاتم صلى الله عليه و آله از نشانه و داغ كردن صورت چهارپايان و نيز از زدن بر صورتشان نهى فرمودند؛ زيرا آنها تسبيح پروردگارشان را مى گويند (قمى، 1414ق، ج 3، ص 12؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 228). رسول رحمت از آزار و شكنجه حيوان با آتش نهى كرد و فرمود: «هيچ كس نمى تواند كه با آتش، حيوانى را شكنجه و عذاب نمايد؛ مگر خداى متعال» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 244).

نهى از نفرين و ناسزاگويى به حيوان: رسول خاتم صلى الله عليه و آله افزون بر آنكه به مدارا و مهربانى با حيوانات سفارش، و از آزارشان نهى مى كردند، حتى از ناسزاگويى به آنها نيز نهى مى فرمودند و در مقابل چنين ناسزاگويانى عكس العمل نشان داده، يا به آنان تذكر مى داد و يا در صورت لزوم برخورد مى كرد و با آنان راه نمى رفت.

در روايات آمده است: پيامبر صلى الله عليه و آله از بدگويى و ناسزا به خروس نهى مى كرد و مى فرمود: به خروس ناسزا نگوييد؛ زيرا خروس ـ انسان را ـ براى نماز و دعا بيدار مى كند (صدوق، 1410ق، ج 4، ص 3؛ زبيدى شافعى، 1346ق، ج 4، ص 180؛ طبرسى، 1392ق، ص 425).

در روايت ديگرى راوى چنين نقل مى كند: در محضر رسول خدا صلى الله عليه و آله به سفر رفته بوديم، در محلى توقف كرده تا دمى بياساييم كه كَك ها ما را اذيت كردند؛ به دليل اين اذيت شدن، به آنها ناسزا گفتيم. رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: «آنها را لعن نكنيد! زيرا كَك جنبنده خوبى بود؛ چون شما را براى ياد خدا از خواب بيدار كرد» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 122).

انس بن مالك مى گويد: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «به قورباغه فحش ندهيد!» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 48)؛ در روايتى نيز فرموده اند: «به شتر ناسزا ندهيد» (شريف رضى، 1422ق، ص 307ـ308؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 142)؛ «به صورت حيوان ها نزنيد و آنها را لعن ننماييد؛ چون خداى ـ عزوجل ـ بر لعن كننده حيوان ها لعن، و از خير و رحمتش به دور مى كند» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 188).

پيامبر صلى الله عليه و آله از آزار و كشتن هر حيوان و جاندارى نهى مى كردند: «آفريده هاى خدا را شكنجه نكنيد» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 86)؛ گرچه زمانى كه به رسم خرافى جاهليت، در ميان اعراب مرسوم بود كه حيوانات را اذيت مى كردند يا به نام «حبس البلايا» يا «ضرب الثور» مى آزردند؛ اما اين «نهى از آزار»، دستورى كلى و عمومى براى همه جانداران جهان است (همان، ج 15، ص 39؛ سيوطى، 1401ق، ج 2، ص 702؛ ج 6، ص 437).

لعن نمودن بر آزاردهندگان جسمى و جنسى حيوان ها: پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله درباره كسانى كه حيوانات را مورد آزار جنسى قرار مى دهند، مى فرمايد: «ملعون است، معلون است، كسى كه حيوانى را مورد آزار جنسى قرار دهد؛ يعنى خير و رحمت رحمان، شامل حال چنين فردى نمى شود» (حرعاملى، 1411ق، ج 20، ص 349؛ صدوق، 1403ق، ص 129).

همچنين از آن حضرت نقل شده است: «نفرين و لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر كسى كه با حيوان نزديكى كند و بر كسى كه خودارضايى نمايد» (متقى هندى، 1409ق، ج 16، ص 99).

نهى از جفت انداختن حيوان هاى ناهمگون با يكديگر: در روايتى درباره جفت انداختن جنسى دو نوع حيوان، براى تولد جنس تركيبى جديدى سؤال كردند كه ايشان اين كار را رد كردند: اين مطلب مى تواند براى محققان مسائل ژنتيكى قابل تأمل و دقت باشد.

به پيامير خدا صلى الله عليه و آله، استرى (قاطرى) هديه شد، از آن خوشش آمد و سوارش شد. گفتيم: اى رسول خدا! آيا الاغ را با ماديان جفت بيندازيم تا براى ما مانند اين قاطر را بزايد. فرمودند: [نه]، اين كار را كسانى انجام مى دهند كه آگاهى ندارند (ابن حبان، 1414ق، ج 10، ص 536؛ بيهقى، بى تا، ج 10، ص 23؛ ابن سعد، بى تا، ج 1، ص 491ـ492).

لعنت نمودن بر كسانى كه اعضاى بدن حيوان را مى برند: پيامبر خدا صلى الله عليه و آله افرادى را كه اعضاى حيوانات را قطع مى كنند، لعن فرموده اند: «لعنت و نفرين و عذاب خدا بر كسى كه حيوان را مُثله مى كند» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 66؛ ابن حجر عسقلانى، بى تا، ج 9، ص 554). همچنين در روايتى ديگر فرمودند: «نفرين و لعنت و عذاب خدا بر كسى كه چهارپايان را مُثله مى كنند» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 67؛ ابن حجر عسقلانى، ج 9، ص 55).

اخته كردن اسب ها و حيوان ها (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 66) و نيز خروس ها و گوسفندان نهى كرده اند (دميرى، بى تا، ج 1، ص 345).

دستور به فراهم ساختن جاى مناسب براى استراحت حيوان: پيامبر صلى الله عليه و آله درباره مكان استراحت گوسفند فرموده اند: «جايگاه و خوابگاه گوسفندها را تميز كنيد و گرد و خاك آنها را بزداييد؛ زيرا آنها از حيوان هاى بهشتى اند» (برقى، 1413ق، ص 485؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 150). حضرت در روايت ديگرى فرمودند: «خاكِ زير پا و محل استراحت گوسفندان را عوض كنيد؛ زيرا آنها از حيوان هاى بهشتى هستند» (برقى، 1413ق، ج 2، ص 642؛ مجلسى، 1403ق، ج 61، ص 150).

سخنان و سفارش هاى اختصاصى پيامبر صلى الله عليه و آله

سفارش هاى مخصوص حيوانات باربر

الف. نهى از بار بيش از قدرت حيوان: حضرت على عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: حيوان، شش حق بر صاحبش دارد: «وقتى كه پياده شد، براى او علف بگذارد؛ هر وقت از آبى عبور كرد، درنگ كند و آب را به او نشان دهد؛ به صورتش نزند؛ زيرا كه تسبيح پروردگار مى گويد؛ پشت او را چون مجلس و مبلمان و جايگاه براى سخنرانى نكند؛ مگر در راه خدا؛ بيش از توان، بارش نكند؛ بيش از قدرت و طاقت از او سوارى نگيرد و نخواهد» (صدوق، 1410ق. ج 2، ص 187؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 201و210).

ب. تعيين جاى بار بر پشت حيوان جهت راحتى حيوان: پيامبر صلى الله عليه و آلهدرباره حيوانات باربر اين گونه سفارش كرده اند: «بار حيوانات را عقب تر بگذاريد؛ زيرا اگر جلو باشد، خوب راه نمى روند؛ چون ساختار بدنشان طورى است كه پاهاى عقبشان بيش تر تحمل بار سنگين را دارد و راحت تر راه مى روند» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 191؛ مجلسى، 1403ق،ج64،ص215؛ متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 62).

سفارش هاى مخصوص حيوانات سوارى

نهى از سوارى خواستن بيش از توان حيوان: پيامبر صلى الله عليه و آله يكى ديگر از حقوق حيوانات ـ در هنگام سوار شدن ـ بر صاحبش را اين گونه بيان كرده اند: «بيش از قدرت و طاقت حيوان، از او سوارى نگيرد و نخواهد» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 187؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 201 و 210؛ حرّ عاملى، 1418ق، ج 3، ص 348).

نهى از ناموزون و كج سوار شدن بر حيوان: رسول رحمت درباره كيفيت نشستن و سوار شدن بر مركوب مى فرمود: «به طور ناموزون و نامناسب در حالى كه پاهايتان را روى هم انداخته ايد، بر حيوان ها سوار نشويد، و پشت آنها را محفل و مجلس گفتمان خود نسازيد؛ يعنى در حالى كه ايستاده اند، همچنان بر پشت آنها سوار نشويد؛ و مشغول سخن گفتن؛ بلكه پايين بياييد و با هم صحبت كنيد!» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 214؛ مجلسى، 1409ق، ج 22، ص 456؛ صدوق، 1410ق، ج 2، ص 188) همچنين فرمودند: «در حق اين حيوانات زبان بسته، از عذاب خدا بترسيد؛ به طور شايسته اى بر آنها سوار شويد» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 62و67).

نهى از نشستن طولانى بر پشت حيوانات: سفارش هميشگى رسول خاتم صلى الله عليه و آله اين بود كه: «پشتِ مركبتان را همچون منبر سخنرانى قرار ندهيد! خداوند آنها را براى شما تسخير كرده تا شما را در راه هاى سخت به منزل برساند. [پياده شويدو] برروى زمين باهم سخن بگوييد» (مجلسى، 1403ق،ج64،ص219ـ220؛متقى هندى،1409ق، ج 9، ص 64؛ زبيدى شافعى، 1346ق، ج 2، ص 115).

نهى از سوار شدن چند نفر بر حيوان: نبى خاتم صلى الله عليه و آله از سوار شدن سه نفر بر پشت يك حيوان نهى فرمود (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 216؛ دميرى، بى تا، ج 1، ص 221). حضرت على عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل مى كنند: «سه نفر بر پشت حيوان سوار نشويد؛ زيرا در اين صورت يكى از آنان لعن شده است» (مجلسى، 1409ق، ج 22، ص 459).

دستور به مراعات حال مركوب لاغر هنگام سوار شدن: رسول خدا صلى الله عليه و آله به مدارا و مهربانى كردن با حيوان ضعيف در زمان سوار شدن سفارش كرده اند: «هرگاه بر چهارپايان لاغر سوار شديد، آنها را در منزل هايشان (توقف گاه ها) فرود آوريد! اگر زمين خشك و بى گياه بود، با شتاب از آن بگذريد، و اگر زمين سرسبز و پرعلف بود، آنها در آنجا استراحت دهيد!» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 189؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 213).

دستور به بردن حيوان از راه هاى هموار و آسان: رسول خدا صلى الله عليه و آله در سخنى نيكو، اين گونه به يكى ديگر از حقوق مركوب اشاره كرده اند: «هر وقتى كه يكى از شما بر حيوانى سوار شد، آن را از راه هاى هموار و آسان ببرد؛ و آن را به راه هاى دشوار و سخت نكشاند» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 62).

تشويق و بشارت به كسى كه هنگام گذر از گردنه از حيوان پياده شود: از سفارش هاى نبى خاتم صلى الله عليه و آله درباره حيوانات سوارى اين بود كه: «كسى كه در گردنه (سربالايى) از مركب خود پياده شود و پشت سر آن راه برود، همچون كسى است كه بنده اى را در راه خدا آزاد كرده باشد» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 69؛ دميرى، بى تا، ج1، ص 366).

امر به فرصت دادن به حيوان براى چريدن در زمان عبور از مرغزارها و چراگاه ها: پيامبر صلى الله عليه و آله فرمودند: «هر موقعى كه بر اين حيوان ها سوار مى شويد، در طول طريق، حقشان را (در منازل و توقف گاه ها) رعايت نماييد! و مانند شياطين بر آنها سوار نشويد» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 63؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 211).

دادن آب و علف به حيوان بعد از پياده شدن: رسول رحمت درباره مركوب خسته چنين سفارش كرده اند: «هر كسى از شما مسافرت كرد و مركوبش يك حيوان بود، بعد از آنكه از حيوان پياده شد، نخستين كارى كه مى كند، آب و علف دادن به آن حيوان باشد» (صدوق، 1410ق، ج 2، ص 189).

سفارش هاى مخصوص حيوانات و پرندگانى كه ذبح مى شوند

حقوق مذبوح و شرايط ذبح (كيفيت ذبح): پيامبر صلى الله عليه و آلهدرباره حيوانات قابل ذبح چنين سفارش كرده اند: «در حق اين حيوانات زبان بسته، از عذاب خدا بترسيد!... و حلال آن را نيز به گونه اى شايسته بخوريد و ذبح كنيد! چاق و پروار آنها را بخوريد! درباره حيوانات، از عذاب خدا بترسيد! چاقشان را بخوريد و بر سالم و سزاوارشان سوار شويد!» (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 62).

پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله اين گونه به حقوق حيوان مذبوح تصريح كرده اند: «خداوند احسان و نيكوكارى را بر همه چيز نوشته است؛ پس شما هم هر زمانى كه مى خواهيد حيوانى را بكشيد، به طور شايسته اى بكشيد؛ و هروقت كه مى خواهيد ذبح كنيد، نيكو ذبح نماييد! كارد را تيز كرده و ذبيحه را زود راحت كنيد!» (زبيدى شافعى، 1346ق، ج 2، ص 106)

از منظر پيامبر صلى الله عليه و آله، حيوان هر اندازه هم كوچك باشد، خردى او دليلى بر رعايت نكردن حقوق آن حيوان نيست؛ بلكه بايد حق او را نيز به خوبى ادا كرد؛ حتى اگر يك گنجشك كوچك باشد: «هر كسى گنجشكى را بدون رعايت حق آن بكشد، خداى تعالى در روز قيامت از او بازخواست خواهد كرد. سؤال شد كه اى رسول خدا! حقّ آن گنجشك چيست؟ فرمود: اينكه او را ذبح كند، نه اين كه گردنش را بگيرد و سرش را بكنَد و پرت نمايد» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 120؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 306؛ متقى هندى، 1409ق، ج 15، ص 37و40).

همچنين در روايتى نقل شده است قصابى درب طويله گوسفندش را باز كرد تا آن را بِبَرد و سرش را بِبُرد. ناگهان گوسفند گريخت و خود را به رسول رحمت رساند و به دنبال ايشان به راه افتاد. قصاب او را به چنگ آورد و پايش را گرفته و روى زمين مى كشيد! رسول خدا صلى الله عليه و آله ابتدا خطاب به گوسفند فرمودند: بر فرمان خدا، صبر پيشه كن! و بعد هم خطاب به قصاب فرمودند: و اما شما هم اى قصاب! او را با مهربانى و ملايمت به سوى مرگ ببر! (صنعانى، بى تا، ج 4، ص 493).

نهى از ذبح كردن شبانه پرنده اى كه در آشيانه خوابيده: امام صادق عليه السلام نقل مى كنندكه پيامبر صلى الله عليه و آله از بيرون كشيدن جوجه و مرغ از آشيانه و نيز در هنگام خوابشان، نهى فرموده اند (كلينى، 1367، ج6، ص216؛ مجلسى،1409ق، ج21، ص356). در روايت ديگرى از گرفتن پرنده ها در شب منع كرد و فرمود: شب امانِ پرندگان است و در اين وقت در امانند (هيثمى، 1697م، ج4، ص3؛ مجلسى، 1409ق، ج21، ص356).

مخصوص حيوانات بچه دار

نهى از دوشيدن تمام شير حيوان و سهم نوزاد: يكى از ياران آن حضرت مى گويد: يك شتر شيرده را به رسول خدا هديه دادند. ايشان مرا امر فرمودند تا آن را بدوشم. بنده نيز آن را دوشيدم؛ البته در دوشيدن تلاش زيادى كردم و سخت آن را دوشيدم؛ وقتى آن جناب اين زياده روى مرا در دوشيدن ديد، فرمود: اين گونه ندوش! و براى بچه او نيز سهمى باقى بگذار (دميرى، بى تا، ج 2، ص 318؛ بيهقى، بى تا، ج 6، ص 131).

جلوگيرى از جدايى [دائمى ]بين مادر و بچه اش: پيامبر صلى الله عليه و آله درباره مادران و نوزادان اين چنين سفارش كرده اند: «مادران را حيران و واله بچه هايشان نكنيد؛ بين مادر و فرزندش جدايى نيندازيد كه حيران مى شوند! (متقى هندى، 1409ق، ج 9، ص 75).

در روايتى از ابن مسعود نقل شده است: در خدمت رسول خدا به جايى مى رفتيم. يكى از همراهان وارد جنگلى شده و تخم هاى پرنده اى را با خود آورد. پرنده مادر (تخم گذار) به دنبال ما آمده، بر گِرد سر رسول خدا صلى الله عليه و آله و ما مى چرخيد و بال بال مى زد. وقتى كه پيامبر اين صحنه را ديد، فرمودند: كدام يك از شما، اين پرنده را آزرده و مصيبت زده كرده است؟ مردى از ميان گفت: من يا رسول اللّه تخم هاى ـ طبق روايتى ديگر، جوجه ـ او را برداشته ام. حضرت رسول به خاطر رحم كردن بر آن پرنده فرمودند: تخم ها (يا جوجه هايش) را به او رد نماييد! (دميرى، بى تا، ج 1، ص 265؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 71و72).

سفارش هاى مخصوص حيوانات خاص

نهى از بستن و زندان كردن سگ: رسول خاتم صلى الله عليه و آله از اسير كردن حيوانات ناراحت مى شدند و از اين كار برحذر مى داشتند؛ حتى اسارت سگ را كارى نادرست دانسته و باعث نقص خيرات و عذاب آخرت شمرده اند. ايشان در اين زمينه فرموده اند: كسى كه سگى را ببندد و نگه دارد [اسير نمايد]، هر روز از عمل او، قيراطى [و طبق برخى روايات، دو قيراط] كم مى شود؛ به جز اين سگ ها كه بستن آنها جايز است: سگِ موذى و خطرناك، سگِ شكارى، سگ حافظ زراعت يا حافظ گوسفند ـ و در روايت ديگر ـ و سگ نگهبان خانه (بخارى، 1401ق، ج 3، ص 67؛ حنبل، بى تا، ج 2، ص 37و60).

از بين بردن حيوان موذى جايز است (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 269؛ دميرى، بى تا، ج 1، ص 215و383) و يكى از اين حيوانات سگ هار است؛ اما اسلام تأكيد دارد كه جايز نيست همين سگ موذى را حبس كنند تا از گرسنگى و تشنگى بميرد؛ بلكه بايد آن را به طور مناسبى از بين ببرند. نكته ديگر، اينكه، در اسلام، كشتن سگ ها نيز ديه دارد؛ ديه سگ شكارى چهل درهم و ديه سگ نگهبان بيست درهم است(صدوق،1415ق،ص534).

بر حذر داشتن از به بند كشيدن گربه و حبس آن: رسول خدا صلى الله عليه و آله در سخنى ديگر، حبس حيوان را باعث عذاب شديد آخرت بيان كرده اند. ايشان در جريان سفر معراج فرمودند: «زنى ـ كه صاحب گربه اى بود ـ را در ميان آتش ديدم كه گربه اش نيز از هر طرف او را گاز مى گيرد و مى درد؛ علتش اين بود كه آن زن ـ در دنيا ـ اين حيوان را بسته بود؛ بدون آنكه غذايى به او بدهد يا آزادش نمايد تا خودش حيوانى را شكار كند؛ يعنى حبس، بدون غذا و آزادى!» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 268؛ دميرى، بى تا، ج 2، ص 251).

نهى از دشنام به شتر؛ به خاطر صلح: رسول رحمت فرمودند: «به شتران، فحش ندهيد؛ چون مانع از خونريزى و كشته شدن بشر مى شوند؛ و آشتى دهنده و مُصلح مى باشند!» (شريف رضى، 1422ق، ص 307ـ308؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 142).

دستور به رعايت حقوق اسب در وقت پيرايش: رسول رحمت درباره آرايش و پيرايش مى فرمودند: «موى پيشانى اسبان را نچينيد؛ زيرا خير در آنهاست. موى يال آنها را مچينيد؛ چون آنها را گرم مى نمايد. دم آنها نچينيد، كوتاه نكنيد؛ زيرا كه پشه پران آنهاست» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 173؛ ابن اثير، بى تا، ج 3، ص 352و363).

تشويق به پاك كردن جو براى اسب: از حضرت على عليه السلام نقل شده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: «تا قيام قيامت، خير بر پيشانى اسبان، بسته شده. كسى كه براى رضاى خدا از اسبى نگهدارى كند، تميز كردن استراحتگاه و دادن آب و علف به آن حيوان، در روز قيامت جزو اعمال نيك او محاسبه مى شود؛ به بيانى ديگر، كسى كه اسبى را ـ براى رضاى خدا ـ به استراحتگاهش ببرد و به او آب و علف بدهد؛ و جايش را جارو نمايد، آن آب و علف و زحمات، در ترازوى حسناتش در روز قيامت، سنگينى خواهد كرد» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 165؛ طبرانى، 1405ق، ج 7، ص 97).

يكى از اصحاب را ديدند كه خودش جوهاى اسبش را پاك مى كند، به او گفتند: چرا نمى گذارى تا ديگران اين كار را بكنند؟ گفت: از پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله شنيدم كه فرمود: «مردى نيست كه خودش براى اسبش جوها را پاك كند؛ مگرآنكه خداوندبه قدرهردانه اى،حسنه اى برايش مى نويسد»(مجلسى، 1403ق، ج64، ص 177؛ دميرى، بى تا، ج2، ص211).

مخصوص پرندگان

نهى از كشتن پرنده و اخطار به محاكمه قاتل: پيامبر رحمت به كسانى كه بيهوده جانداران را مى كشند، هشدارى سخت داده و آنان را از محاكمه آخرت باخبر ساخته است: «هر حيوانى ـ پرنده يا غيرپرنده ـ كه به ناحق كشته شود، در روز قيامت از قاتل خود شكايت خواهد كرد» (محمدى رى شهرى، 1379، ج 3، ص 1346).

حضرت در كلامى ديگر، به طور مشخص به كشندگان پرنده ها، به ويژه گنجشك، اشاره كرده اند: «اگر كسى گنجشكى را بيهوده بكشد، آن گنجشك در روز قيامت در پيشگاه خدا فرياد مى زند و شكايت مى كند كه: فلانى مرا بيهوده كشت؛ بدون آنكه از اين كشتن، سودى ببرد! و نگذاشت كه از حشرات زمين، استفاده نمايم و چيزى بخورم. طبق روايت ديگرى، شكوه مى كند و مى گويد: خدايا! از اين قاتل من، بپرس كه چرا بى جهت مرا كشتى؟!» (مجلسى، 1403ق، ج 61، ص 306؛ ج 64، ص 4؛ متقى هندى، 1409ق، ج 15، ص 37ـ38).

نهى از شكار شبانه پرندگان و تيراندازى به جوجه هايشان: پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله در مورد شكار پرندگان سفارش هايى كرده اند تا حقوق آنها در حد امكان رعايت شود. يكى از آن سفارش ها، روايتى است كه امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده اند: «شبانگاهان، جوجه را از آشيانه اش در نكشيد؛ چه اينكه پرنده را ـ براى سر بريدن ـ هنگام خوابش از لانه بيرون نياوريد تا اينكه صبح شود.» مردى سؤال كرد كه «هنگام خوابش» چه وقتى است؟ آن حضرت فرمود: «شب، هنگام خواب اوست. بنابراين شبانه به سراغش نرويد؛ تا اينكه صبح شود، و همين طور جوجه پرندگان را در لانه شان و قبل از پردرآوردن و پرواز كردن شكار نكنيد؛ اما زمانى كه قدرت پرواز پيدا كردند، مى توانيد به دنبال شكارشان برويد» (كلينى، 1367، ج 6، ص 216؛ مجلسى، 1409ق، ج 21، ص 356).

هشدار به شكارچيان: رسول رحمت در برخى از سخنانشان، از آسيب شكار كردن براى شكارچى سخن گفته اند و پيامدهاى آن را نيز بيان كرده اند. ايشان درباره اصل شكار كردن مى فرمايند: «هر كسى به دنبال شكار رود (شكارچى)، غافل مى گردد» (قضاعى، 1361، ص 441؛ مجلسى، 1403ق، ج 65، ص 281).

براساس روايتى آن حضرت فرموده اند: «هيچ شكارى صيد نمى شود، مگر اينكه يك تسبيح گوى كم مى شود؛ خداى متعال هيچ نبات و گياهى را نمى روياند، مگر اينكه يك فرشته را بر آن مى گمارد؛ فرشته اى كه تسبيح و ذكر آن گياه را تا روز قيامت بشمارد و بنگارد؛ شاخ و برگ هيچ درختى ريخته نمى شود و هيچ درختى قطع نمى گردد، مگر به نقص تسبيح (دميرى، ج 2، ص 176؛ متقى هندى، 1409ق، ج 1، ص 444ـ445؛ ج 2، ص 254).

پيامبر صلى الله عليه و آله از شكاركردن در ايام مخصوص ـ توليدمثل ـ نهى مى فرمود و خودش نيز هرگز شكار نكرد (كتانى، بى تا، ج 2، ص 66).

نهى از كشتن چند جنبنده و پرنده خاص: از امام صادق و امام رضا عليهماالسلام با اندكى تفاوت نقل شده است: «رسول خاتم صلى الله عليه و آله از قتل شش موجود زنده نهى فرموده: زنبور عسل، مورچه، قورباغه، مرغ سبزك (سبزقبا)، هدهد (شانه به سر) و پرستو» (دميرى، بى تا، ج 1، ص 294؛ ج 2، ص 86،204؛ مجلسى،1403ق،ج64، ص 244، 291و294).

نهى از كشتن جانداران؛ به جز موذى: ابن عباس مى گويد: رسول خاتم صلى الله عليه و آله از كشتن هر جاندارى نهى فرمود؛ مگر آنكه جانور موذى باشد و آزار برساند [آن هم به روشى نيكو] (متقى هندى، 1409ق، ج 15، ص 39؛ سيوطى، 1401ق، ج 2، ص 702).

رسول خاتم صلى الله عليه و آله در روايت ديگرى، از كشتن حيوانات نهى فرمود؛ مگر آنكه حيوان حلال گوشت و براى خوردن باشد (دميرى، بى تا، ج 2، ص 363؛ كتانى، بى تا، ج 2، ص 66)؛ البته اين كشتن نيز شرايط نيكويى دارد (مجلسى، 1409ق، ج 21، ص 369).

سفارش هاى مخصوص آبزيان

پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله براى آبزيان حقوقى برشمرده اند و به ديگران نيز سفارش كرده اند تا آنان را اذيت نكنند. گاهى آن سفارش ها به طور عمومى و در مورد رعايت حقوق تمام ساكنان آسمان و زمين و آبزيان بوده و گاهى نيز به طور خاص از آنها نام برده اند.

حضرت على عليه السلام فرمودند: «رسول خدا صلى الله عليه و آله به شدت از بول كردن در آب نهى نمودند؛ مگر آنكه از سر ناچارى و ضرورت باشد» (نورى طبرسى، 1407ق، ج 1، ص 271).

حضرت در حديث ديگرى فرموده اند: «آب هم ساكنانى و آبزيانى دارد؛ با بول و ادرار كردن در آب، آنان را اذيت نكنيد!» (نورى طبرسى، 1407ق، ج 1، ص 271؛ عرب باغى، 1329، ص 45).

نهى از قتل قورباغه و تعين جريمه براى قاتل: جابر از نبى خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است: «هر كس قورباغه اى را بكشد ـ چه در حال احرام باشد يا نباشد ـ بايد يك گوسفند كفاره بدهد» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 85؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 295).

همچنين فرموده اند: «قورباغه ها را نكشيد؛ چون غرغركردن و صداكشيدن او، تسبيح خداست» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 294).

روايت شده است يك پزشك در محضر رسول خدا صلى الله عليه و آله، از قورباغه و استفاده دارويى از آن سخن به ميان آورد. آن حضرت بى درنگ،آن پزشك راازكشتن قورباغه نهى فرمود (جوزيه، بى تا، ص122و294؛ دميرى، بى تا، ج2، ص86).

سفارش هاى مخصوص حشرات، موجودات شبگرد و ذره بينى

هشدار به مزاحمان موجودات ذره بينى و شبگرد: امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل مى كنند: «وقتى كه پاسى از شب بگذرد، كمتر بيرون برويد و از ترددهاى غيرضرورى در معابر بپرهيزيد؛ زيرا خداوند ريزموجوداتى دارد كه در آن ساعت، آنها را در زمين مى پراكند؛ يعنى ممكن است كه آنها را نبينيد و زير پايتان كشته و لگدمال شوند؛ چون برخى از موجودات در روز از لانه خود بيرون نمى آيند و شب هنگام، بيرون آمده و به دنبال روزى مى افتند» (مفيد، 1414ق، ص 64؛ مجلسى، 1403ق، ج 73، ص 264).

نهى از كشتن زنبور و آتش زدن لانه آن: براساس روايت هاى بسيارى، رسول رحمت از كشته شدن زنبور عسل نهى فرموده است (عرب باغى، 1329، ص 48؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 244، 291و294). انس بن مالك نقل كرده است: «پيامبر خاتم صلى الله عليه و آلههرگز دوست نداشت كه لانه زنبور بى عسل را هم با آتش بسوزانند» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 10).

نهى از غارت اموال (دسترنج) مورچه: پيامبر خاتم صلى الله عليه و آله نگران نابودى اموال و از بين رفتن زحمت ريزموجودات نيز بود؛ به گونه اى كه درباره آنها سفارش مى كرد. امام صادق عليه السلام در اين زمينه مى فرمايد: «رسول خدا نهى فرمود از اينكه آنچه را كه مورچه با دست و دهان حمل مى كند، از چنگش بگيرند و بخورند» (مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 261؛ دميرى، بى تا، ج 2، ص 370)؛ وصى آن حضرت؛ على بن ابى طالب عليه السلام فرمودند: «به خدا قسم اگر همه آسمان ها و زمين را به من ببخشند و در مقابل اين عطا، از من بخواهند تا با گرفتن پوست يك جو از دهان مورچه اى عصيان كنم، چنين نخواهم كرد» (نهج البلاغه، خ 224).

نهى از كشتن مورچه و آتش زدن لانه اش: رسول مهربانى بارها از كشتن مورچه نهى كرده اند؛ گاهى به تنهايى، و در برخى موارد در كنار نام زنبور عسل و چند پرنده ديگر از كشتن آن نهى كرده است. انس بن مالك مى گويد: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: «مورچه را نكشيد!» (دميرى، بى تا، ج 2، ص 369؛ مجلسى، 1403ق، ج 64، ص 224و291).

نتيجه گيرى

در اين نوشتار، ديدگاه نظرى و عملى رسول خاتم صلى الله عليه و آله درباره حقوق انواع حيوانات بيان شد. از موجودات ذره بينى تا غول پيكر، از اهلى تا وحشى، از درنده تا گزنده و چرنده و پرنده و آبزى و خشك زى، همه وهمه از نگاه مهربان ايشان پنهان نماندند. از نوزاد حيوان وحشى تا تخم يك پرنده و جوجه تازه پاى آنها را سفارش به مهربانى نمودند. با قاتلان حيوانات وعده برخورد دنيوى و اخروى داد. براى كشنده يك قورباغه جريمه تعيين فرمود و براى قاتل يك گنجشك، محاكمه در قيامت! از محل خواب، خوراك، علف، و تمام مواد و ضروريات زندگى حيوان سخن و سفارش فرمود. از مهربانى با حيوانات تعريف نمود و همه را به رعايت حال حيوانات و شكنجه نكردن آنها تشويق و ترغيب فرمود؛ با اين وصف، چنين رسول مهربانى كه اين همه به حيات و حقوق حيوانات سفارش مى كند و عمل مى نمايد؛ نسبت به انسان چقدر مهربان است تنها خداى بزرگ مى داند و بس؛ به همين دليل خدا در وصفش فرمود: تو را رحمتى براى جميع جوامع فرستادم؛ [حتى جوامع حيوانى].

منابع

ـ نهج البلاغه (1373)، ترجمه سيدجعفر شهيدى، چ پنجم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامى.

ـ ابن اثير، عزالدين بن حسن (بى تا)، اسدالغابة، قم، اسماعيليان.

ـ ابن حبان، صحيح ابن حبان (1414ق)، ط. الثانية، بيروت، مؤسسة الرسالة.

ـ ابن حجر عسقلانى، احمدبن على (بى تا)، فتح البارى بشرح صحيح البخارى، ط. الثانية، بيروت، دارالمعرفة.

ـ ابن حنبل، احمد (بى تا)، مسند احمد، بيروت، دار صادر.

ـ ابن سعد، محمد (بى تا)، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر.

ـ ابن عساكر (1415ق)، تاريخ مدينة دمشق، ترجمه على شيرى، بيروت، دارالفكر.

- اخوان، عبدالحميد، «نگرشى به حقوق حيوان در رابطه با انسان در اسلام» (آذر 1370)، درس هايى از مكتب اسلام، سال سى ويك، ش 8، ص 72ـ73.

ـ بخارى، محمدبن اسماعيل (1401ق)، صحيح بخارى، بيروت، دارالفكر.

ـ برقى، احمدبن محمد (1413ق)، المحاسن، تحقيق سيدمهدى رجايى، قم، المعاونية الثقافية للمجمع العالمى لأهل البيت.

ـ بيهقى، ابى بكر (بى تا)، معرفة السنن والآثار، بيروت، دارالكتب العلمية.

ـ جوزيه، شمس الدين محمد (بى تا)، الطبّ النبوى، بيروت، دارالوفاق.

- حرعاملى، محمدبن حسن (1418ق)، الفصول المهمة فى اصول الأئمة؛ تكملة الوسايل، تحقيق و اشراف محمد قاينى، قم، مؤسسه امام رضا عليه السلام.

ـ ـــــ (1411ق)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت.

ـ دميرى، كمال الدين (بى تا)، حياة الحيوان الكبرى، بيروت، دارالفكر.

ـ زبيدى شافعى، عبدالرحمن (1346ق)، تيسير الوصول الى جامع الاصول من حديث الرسول، مصر، السلفية.

ـ سيوطى، جلال الدين (1401ق)، الجامع الصغير، بيروت، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

ـ شريف رضى، محمدبن حسين (1422ق)، المَجازات النبوية، تصحيح مهدى هوشمند، قم، دارالحديث.

ـ شعرانى (1393ق)، العهود المحمدية، ط. الثانية، مصر، شركة مكتبة.

ـ صدوق، محمدبن على (1403ق)، الخصال، تصحيح و تعليق على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين.

ـ ـــــ (1415ق)، مقنع، قم، الهادى.

ـ ـــــ (1410ق)، من لا يحضره الفقية، تعليقه و تصحيح سيدحسين موسوى خراسانى، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

ـ صنعانى، ابى بكر عبدالرزاق (بى تا)، المصنف، بى جا، منشورات المجلس العلمى.

- طبرانى، سليمان بن احمد (1405ق)، المعجم الكبير، تحقيق و تخريج حمدى عبدالمجيد السلفى، ط. الثانية، بيروت، دار احياء التراث العربى.

ـ طبرسى، فضل بن حسن (1392ق)، مكارم الأخلاق، ط. السادسة، قم، منشورات شريف الرضى.

ـ عرب باغى، سيدحسين آقا (1329)، دعائم الاسلام، چ دوم، تهران، چاپخانه آفتاب.

- قضاعى، قاضى (1361)، شهاب الاخبار؛ كلمات كوتاه پيغمبر خاتم صلى الله عليه و آله، با شرح فارسى سيدجلال الدين ارموى محدث، چ دوم، تهران، علمى و فرهنگى.

ـ قمى، شيخ عباس (1414ق)، سفينه البحار، بيروت، دارالاسوة للطباعة و النشر.

ـ كاتوزيان، ناصر (1378)، مقدمه علم حقوق و مطالع در نظام حقوقى ايران، چ بيست وپنجم، تهران، شركت سهامى انتشار.

ـ كتانى، سيدمحمد عبدالحى (بى تا)، نظام الحكومة النبوية، ط. الثانية، بيروت، دارالارقم.

ـ كلينى، محمدبن يعقوب (1367)، الكافى، تصحيح و تعليق على اكبر غفارى، ط. الثالثة، تهران، دارالكتب الإسلامية.

ـ متقى هندى، حسام الدين (1409ق)، كنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال، بيروت، مؤسسة الرسالة.

ـ مجلسى، محمدباقر (1403ق)، بحارالانوار، ط. الثالثة، بيروت، مؤسسة الوفا.

ـ ـــــ (1409ق)، مراه العقول، تهران، دارالكتب الاسلامية.

- مصباح، محمدتقى (1377)، معارف قرآن (حقوق و سياست در قرآن)، نگارش محمد شهرابى، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس سره.

ـ ـــــ (1373)، معارف قرآن (خداشناسى، كيهان شناسى، انسان شناسى)، قم، مؤسسه درراه حق.

ـ مفيد، محمدبن محمد نعمان (1414ق)، المزار، تحقيق سيدمحمدباقر ابطحى، ط. الثانية، بيروت، دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع.

ـ محمدى رى شهرى، محمد (1379)، ميزان الحكمة، قم، دارالحديث.

ـ ناصف، شيخ منصورعلى (1406ق)، التاج الجامع للاصول فى احاديث الرسول، بيروت، دارالفكر.

ـ نظرى توكلى، سعيد (1387)، حيوانات؛ قوانين حمايتى و حدود بهره ورى در اسلام، مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى.

ـ نورى طبرسى، ميرزاحسين (1407ق)، مستدرك الوسائل الى مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت لأحياء التراث.

ـ هيثمى، حافظ نورالدين على (1967م)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ط. الثانية، بيروت، دارالكتب.